

۵۶ - حضور در محضر صاحب امر

و نیز در یکی از آثار بامضاء خ ا د م ۶۶ خطاب باقا جمال بروجردی مورخ ۲۷ جمادی الاولی ۱۲۹۷ است: " در یکی از الواح پارسی این کلمه از سماء مشیت الهی نازل: امروز اعمال شایسته باید و افعال پسندیده شاید و هر عمل نیکی بنفسه مبلغ امر است شاهد این مقام بیاناتی است که از قلم اعلی در الواح اخری ثبت شده اگر امروز نفسی بطراز آیات فائز شود عند الله احب است از عمل نفسی که پیاده بشطر اقدس توجه نماید و بلقای حضرت معبود در مقام محمود فائز گردد. امانت از برای مدینه انسانیّت بمثابه حصن است و از برای هیکل انسانی بمثابه عین اگر نفسی از او محروم ماند در ساحت عرش نا بینا مذکور و مسطور است اگر چه در حدت بصر مانند زرقاء یمامه باشد "

و در لوحی خطاب باقا جمال بروجردی است قوله الاعلی: " و اما رجوع بساحت اقدس این ایام بر حسب ظاهر جائز نه قد نزلنا فی لوح من الالواح کم من قریب لا نقر له القرب و کم من بعید و نفس الحیب انه هو القریب و فی لوح آخر کم من قریب هو الغریب و کم من بعید هو القریب طوبی لغریب و قریب و فی لوح آخر کم من حیب صار حباباً و کم من مؤانس وجدناه مؤالساً و کم من قریب نشهد بانّه فی مقام بعید اگر چه معلوم است که هیچ فضلی و فیضی و مقامی و رتبه ای بقاء الله در ظاهر ظاهر معادله ننموده و نمینماید قسم بآفتاب عزّ توحید که از شرق تجرید اسم قدیرم طالع است معادله نمی نماید بحضور بین یدی العرش فی ظاهر الظاهر و لو فی آن ما خلق فی السموات و الارضین بعضی از ناس از خمخانه معنویّه الهیه محروم شده اند این است که تأثیرات این امور و ثمرات آن از نظر مستور مانده لذا باوهم خود مشغول و از مالک انام محجوب مانده اند مقصود آنکه بسا از نفوس در عین قرب از وصال محرومند و بسا از نفوس که در بعد ظاهره بکوثر لقاء فائز هذا من فضل ربک العلیّ العزیز الکریم طوبی از برای نفسی که بهر دو فائز باشد منقطعاً عن رضاه و فانیاً فی رضاه ربّه تالله لا يعادله عمل من الاعمال اگر این حجاب باصبع اراده ربّ الارباب خرق شود مشاهده مینمائی کلّ من علی الارض را من الأعزّه و الأدله یضعن الفقر و الغنی ثمّ السلطنة و العزّة عن ورائهم و یسرعن الی مقام الذی تنطق ذرّات ترابه انه لا اله الا هو المقتدر العزیز المختار "

و در لوحی دیگر است قوله الاعلی: " شرائط نفوسی که باذن فائزند این است که اول صحت مزاج و صحت بدن ثانی اسباب سفر از نقد و غیره و شرطی که اعظم شرایط است تحصیل اذن است در محلّ و مقام و اگر کلّ موجود باشد و حکمت اقتضا ننماید حرکت و توجّه جائز نه "

و در اثری از خادم خطاب بناظر قوله: " در این ارض خبری نشده جز آنکه مسافرین من غیر اذن متصلاً وارد این ایام حساب شد چهل و پنج نفر علاوه بر مهاجرین که اول همراه بودند از مسافرین در این ارض موجودند معدودی از این نفوس باذن و ما بقی بغیر اذن نهی الهی را نشنیدند و بخیال خود عاملند نسال لهم التوفیق بالطاعة و التسليم و الرضا"

و در اثری دیگر قوله: " باید دوستان بخدمت امر مشغول باشند اگر در ایام الهی امر محبوبی از نفسی ظاهر شود حکم لقا از برای او از قلم اعلی جاری میشود و این بیانرا مکرراً این عبد از لسان عظمت اصغا نمود و قوله: ذکر جناب حاجی علی را نمودید و همچنین توجّهش بشطر اقدس ، اوامر و احکام الهی هر یک بمقتضیات حکمت مشروط جناب حاجی علی علیه بهائی باید در آنچه از قلم اعلی جاری شده ملاحظه نماید اگر مطابق بحرکت است حرکت نماید و اگر موافق سکون است ساکن باشد از آن گذشته باید که اول مصروف راه را معین نماید و بعد حرکت کند بیع املاک هم نزد مظلوم محبوب نه مگر در ادای دیون بسیاری از نفوس لأجل ادای حقوق الله ارداه بیع نمودند و منع نمودیم "